

کیفیت و اثبات معاد از منظر قرآن

زهراشیرانی^۱

پایه سوم مدرسه ریحانه

چکیده

معاد و اعتقاد به عالم قیامت از اندیشه‌های اولیه حیات بشری بوده است و همه ادیان الهی پیروان خود را به روزی وعده می‌دهند که به حساب همگان رسیدگی می‌شود. حقیقت جویی و تلاش برای رسیدن به حقیقت، از جمله خصوصیات انسان است که او را به تحقیق در مبدأ و معاد و باور به عالم پس از مرگ که یکی از اندیشه‌های دیرین بشر بوده است، وا می‌دارد. در کتب مقدس یهودیت و مسیحیت، از چگونگی معاد و کیفیت پاداش و عذاب و همچنین جزئیات حشر انسانها بحث به میان آمده است؛ پس از توحید، معاد بیشترین آیات قرآنی مربوط به موضوع معاد است؛ تا جایی که گفته شده بیش از یک سوم آیات درباره جهان پس از مرگ بوده و بسیاری از آنها بیانگر آثار ایمان یا پیامدهای انکار معاد هستند؛ زیرا ایمان به معاد ضامن اجرای قوانین الهی و زمینه ساز رسیدن به کمال نهایی و سعادت ابدی است و این خود به نحوی گویای اهمیت ایمان به معاد و لزوم توجه به آن است. از مباحث مهم معادشناسی، حکمت و فلسفه برپایی قیامت است؛ به این معنا که حکمت رستاخیز چیست و چه ضرورتی در برپایی حیات اخروی انسان وجود دارد؟ قیامت چه کمالی را به انسان می‌بخشد که وجود آن از منظر وحی الهی لازم و حتمی شده است؟

همانطور که در تعبیرات دینی آمده است، این زندگی صرفاً مقدمه و پلی برای حیات دیگر و آن حیات، اصل است. اگر به این نگرش در زندگی برسیم و درک کنیم که زندگی واقعی، همان زندگی اخروی است، نه زندگی دنیوی؛ خواهیم پذیرفت که این زندگی باید محدود باشد، نه بی‌نهایت؛ زیرا که صرفاً مقدمه است و غایت

و هدف نیست. حکما و متکلمان اسلامی و مفسران شیعه و اهل سنت، با روش های مختلف تفسیری با مبانی متفاوت در طول تاریخ پاسخ هایی به این پرسش داده اند؛ ما نیز کوشیده ایم به این سؤال پاسخ دهیم که عالم پس از مرگ در قرآن کریم، به چه کیفیتی است.

کلیدواژه ها: زندگی پس از مرگ ، قرآن کریم ، کیفیت اثبات ، معاد ، منظر و دیدگاه

مقدمه

اعتقاد به معاد، زندگی را معنادار کرده و انسان را از پوچگرایی رهایی میبخشد. توجه به معاد و جهان واپسین، به زندگی دنیوی انسان، نظامی خاص بخشیده و باعث میشود در رفتارها و اعتقاداتش تجدید نظر نماید. همچنین با توجه به مسأله معاد است که انسان، هدف آفرینش را بهتر درک میکند. از اینرو، یکی از مسائل مهم در زندگی انسانها توجه به اصل معاد و زندگی پس از مرگ است.

بسیاری از افراد علاقه دارند که از زندگی انسان دربرخ و حقیقت و ماهیت این عالم آگاهی کاملی به دست آورند ولی باید توجه نمود که آگاهی کامل از جهان برزخ برای ما امکان پذیر نیست و تا انسان گام در آن جهان نگذارد نمی تواند به کیفیت آن پی ببرد، همچنان که درباره سرای دیگر عالم آخرت نیز این چنین است فقط می توان صورتی ناقص و شبحی مبهم از آن جهان ترسیم نمود، زیرا بشر از واقعیت اشیائی می تواند آگاه گردد که در قلمرو زندگی او قرار گیرد و نمونه هایی از آن را در دست داشته باشد. از این جهت اهل تحقیق معتقدند آگاهی کامل از خصوصیات زندگی برزخی و حیات اخروی در صورتی میسر است که انسان از این جهان رخت بربندد و به سوی آن جهان بشتابد. مع الوصف می توان به کمک آیات و روایات و بیاناتی که فلاسفه دارند نشانه هایی از عالم برزخ و جهان دیگر به دست آورد.

بسیاری از اقوام اولیه و حتی نیمه متمدن، بر این باور بودند که پس از مرگ، ارواح در زیر خاک و در جوار جانداران، زندگی جدیدی را آغاز میکنند و به شکل دیگری پس از مرگ، به زندگی ادامه میدهند و رنجها و خوشی هایی را در زیر خاک احساس میکنند. مطابق با همین عقیده بوده است که وسایل و لوازم زندگی

را در کنار مردگان دفن میکردند تا پس از مرگ از آنها استفاده کنند.

در قرآن کریم، آیاتی در مورد زمان مردن، برزخ، قیامت، رسیدگی به اعمال و استقرار در بهشت یا دوزخ وجود دارد. اگر آزمادی گرایان پرسیده شود سرانجام زندگی چیست و پایان زندگی انسان به کجا منتهی می گردد؟ می گویند مرگ پایان زندگی و مرگ انسان ها نابودی آنان است. اگر از آنان بپرسیم که آیا برای اصل خلقت به طور عموم و آفرینش خصوص انسان، هدف و غایتی وجود دارد؟ در پاسخ می گویند برای آفرینش تا چه رسد خصوص انسان هیچ نوع هدف و غرضی در کار نیست و مرگ پایان زندگی اوست و پس از آن، زندگی مجددی در کار نمی باشد. قرآن مجید منطق این گروه را نقل کرده و می فرماید: «می گویند زندگی همین زندگی دنیا است و ما به زندگی مجدد بازخواهیم گشت»^۱ آیات قرآن به خوبی این حقیقت را نشان می دهد که بت پرستان و همچنین سایر کفار، نه تنها در عصر پیامبر (ص)، بلکه در اعصار دیگر نیز از مسئله معاد و زنده شدن بعد از مرگ تعجب می کردند و وحشت داشتند، حتی آن را دلیلی بر جنون گوینده آن می شمردند. بر همین اساس آنچه را از آیات قرآن همچنین کتب ارزشمند در باب معاد و قیامت توانستم جهت تولید و فراهم ساختن این اثر جمع آوری نمودم. از خداوند رحمن و رحیم می خواهیم که این سفر مشکل و نزول فرشته مرگ را بر بالین ما آسان گرداند و ما را از لطف و عنایت خودش بهره مند سازد.

(۱) علت انکار معاد

از نگاه قرآن، ریشه و علت سرسختی مردم در قبول اصل معاد، چند چیز می تواند باشد. اولین عامل، عاملی است که در انکار هر امر غیبی و غیر محسوسی وجود دارد. در نگاه مادی و حس گرایانه، هر امر غیر مادی، مورد انکار قرار می گیرد. دومین عامل، یک انگیزه روانی است و آن میل به راحتی، بی بندوباری و عدم مسئولیت است. زیرا اعتقاد به قیامت و محاسبه اعمال، پشتوانه نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیتهای

^۱ (سوره انعام، آیه ۲۹)

رفتاری و خودداری از ظلم و گناه است و با انکار آن، راه برای هوسرانی‌ها باز می‌شود: أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ. بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ. بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (ترجمه: آیا انسان چنین می‌پندارد که استخوانهایش را (پس از متلاشی شدن) جمع نخواهیم کرد؟ چرا (این کار را خواهیم کرد در حالی که) تواناییم که سر انگشتانشان را (مانند اول) هموار سازیم. بلکه انسان می‌خواهد جلوی خویش را باز کند (و بی‌بندوبار باشد)^۱ سومین عامل نیز بر اثر یک سری مباحث نظری و وجود برخی ابهام‌ها در مورد معاد و نحوه تحقق آن است بر اساس این سؤال که یکی از قدیمی‌ترین شبهات در مورد معاد جسمانی است، اگر انسانی معین غذای انسان دیگر شود، اجزای مأكول (خورده شده) در روز معاد یا در بدن آکل (خورنده) باز می‌گردد و یا در بدن مأكول؟ به هر صورت که فرض شود، بدن یکی از آن دو به صورت کامل در روز رستاخیز محشور نخواهد شد. فلاسفه مشاء بر اساس همین شبهه، معتقد بودند که معاد جسمانی از نظر عقلی قابل اثبات نیست. اما هر یک از متکلمان به دنبال پاسخ دادن به این سؤال برآمدند. بیشتر متکلمان، با تفکیک بین اجزای اصلی و غیر اصلی بدن و ادعای بازگشت اجزای اصلی بدن که به هیچ وجه در بدن موجود دیگری قرار نمی‌گیرند، در صدد پاسخ برآمدند.

ملاصدرا با ارائه نظریه بدن مثالی که این شبهه شامل آن نمی‌شود، در صدد ارائه بیانی دیگر از معاد جسمانی برآمد. یکی از سؤال‌هایی که در مورد معاد مطرح شده است، این است که وقتی انسان می‌میرد، روح از بدن او می‌رود و پیکر او نابود می‌شود. حال اگر معاد واقعی باشد، خداوند باید موجودی که معدوم شده را دوباره بیافریند و چون اعاده معدوم به نظر فلسفی محال است، پس معاد نیز محال است. اما خداوند در قرآن کریم در پاسخ به چنین ایرادی بیان می‌کند که انسان با مرگ از بین نمی‌رود و معدوم نمی‌شود، بلکه فرشته مرگ، جان انسان را می‌ستاند و به سوی خداوند باز می‌گرداند. بنابراین، معاد اعاده و بازگرداندن چیزی که معدوم شده

^۱ [قیامت-۳-۵]

نیست، بلکه بازگشت روح موجود است. وَ قَالُوا أَيْنَ مَا ضَلَّلْنَا فِي الْأَرْضِ أَتِنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ﴿٢٠﴾ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ ترجمه: و گفتند آیا وقتی دردل زمین گم شدیم آیا باز ما در خلقت جدیدی خواهیم بود؟ نه بلکه آنها به لقای پروردگارشان و حضور او کافرند ﴿٢٠﴾ بگو فرشته مرگی که بر شما گمارده شده جانتان را می‌ستاند آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانیده میشود.^۱

(۲) فلسفه معاد: عدل و حکمت خدا

در قرآن آیات فراوانی به چشم می‌خورد که از عقل‌ها و وجدان‌ها سؤال می‌کند که آیا خوبان و بدان با هم مساوی هستند و هیچ تفاوتی نخواهند داشت؟ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٢﴾ آیا مؤمنین و کسانانی که عمل شایسته انجام داده‌اند مانند مفسدین قرار داده‌ایم و آیا متَّقین را همچون فُجَّار و جنایتکاران یکسان قرار می‌دهیم؟ در جای دیگر می‌خوانیم: أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٢٣﴾ آیا ما مسلمانان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟ ﴿٢٤﴾ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ﴿٢٥﴾ آیا مؤمن و فاسق یکسانند؟! هرگز چنین نیست. ﴿٢٦﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُم كَالَّذِينَ آمَنُوا و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴿٢٧﴾ آیا گناهکاران گمان دارند که ما آنها را هم چون مؤمنین و کسانانی که کارهای صالح انجام داده‌اند، قرار می‌دهیم؟ ﴿٢٨﴾ چون خداوند عادل است باید معاد و حسابرسی باشد و چون دنیا محدود است باید معاد باشد و اگر قیامت نباشد به عدالت خداوند ضرر می‌زند. توضیح آنکه مردم در برابر فرمان‌های خدا و انبیا دو دسته هستند: عده‌ای موافق و گروهی مخالف. قرآن نیز در بیان این حقیقت می‌فرماید: فَمِنْكُمْ كَافِرٌ و مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ﴿٢٩﴾ بعضی از شما ایمان آورده‌اید و گروهی هم کافر شدید.

^۱ (سوره سجده آیه ۱۰)

۸) گواهان دادگاه الهی

در روز رستاخیز، وقتی محاکمه افراد آغاز می گردد و پرونده عمل انسان ها در محکمه عدل خداوند مطرح می شود، شهود و گواهان مختلفی بر شیوه زندگی انسان ها در این جهان، شهادت و گواهی می دهند، به طوری که برای هیچ قاضی و دادرسی و یا ناظر خارجی شک و ابهامی باقی نمی ماند. گواهانی را که قرآن یادآوری فرموده است: خداوند در قرآن مجید در آیات متعددی خود را شاهد اعمال بشری خواند، قرآن می فرماید: چرا آیات الهی را منکر می شوید خدا بر آنچه که انجام می دهید شاهد و گواه است.^۱ خداوند روز رستاخیز میان آنان داوری می کند، خداوند بر همه چیز شاهد و گواه است.^۲ طبق آیات قرآن، روز رستاخیز پیامبر هرامتی بر آن امت گواهی خواهد داد، قرآن می فرماید: روزی که از میان هرامتی، شاهدی بر آنها از خود آنها برمی انگیزیم.^۳ قرآن در آیه های متعددی پیامبر اسلام را شاهد امت خود می داند و می فرماید: تو را بر این امت گواه می آوریم. (سوره نساء، آیه ۴۱)

گروهی از امت اسلامی بر اعمال امت های دیگر شهادت و گواهی خواهند داد، قرآن می فرماید: شما را امت وسط قرار دادیم تا بر مردم شاهد و گواه باشید و پیامبر نیز بر شما شاهد و گواه باشد.^۴ روز رستاخیز به گواهی قرآن، اعضای از بدن مانند زبان و دست و پا گواهی می دهند. روزی که زبان و دست و پای آنان به اعمال آنها گواهی می دهند.^۵ گاهی بردهاں آنان مهر زده می شود و تنها دست و پای آنان به اعمال گواهی می دهند. امروز بردهاں آنها مهر می زنیم و دست های آنان با ما سخن می گویند و پایهای ایشان بر کارهای آنها گواهی می

^۱ (سوره آل عمران، آیه ۹۸)

^۲ (سوره حج، آیه ۱۷)

^۳ (سوره نحل، آیه ۸۹).

^۴ (سوره بقره، آیه ۱۳)

^۵ (سوره نور، آیه ۲۴)

دهند.^۱

شاهد ششم پوست بدن است و پوست بدن به فرمان خداوند به سخن درمی آید. (گنهکاران) به پوست های بدن خود می گویند: چرا بر ضرر ما گواهی دادید. می گویند: خداوند ما را به سخن درآورد، خدایی که همه موجودات را به سخن درآورده است.^۲ گواه دیگر فرشتگان است که با مجرمان وارد دادگاه می شوند. هرنفسی وارد دادگاه می شود درحالی که با او مأموری و گواهی می باشد.^۳ این مأمور و گواه به حکم آیات دیگر، فرشتگانند که تمام اعمال انسان را درطول زندگی ازریز و درشت ضبط کرده اند، قرآن می فرماید: هیچ سخنی نمی گوید مگر اینکه در کنار او نگهبانی حاضراست.^۴ نامه اعمال که به وسیله فرشتگان تنظیم می گردد از جمله شهودی است که به خوبی ها و بدی های انسان ها گواهی می دهد و دراین موضوع آیاتی وارد شده است که به برخی اشاره می کنیم: بگو خداوند دربی اثر ساختن مکرو حیله مشرکان سریع تراز آنان است. فرستادگان ما تمام نقشه های شما را می نویسند.^۵ هنگامی که پرونده انسان را به دادگاه می آورند، مجرمان و گنهکاران از دیدن آن آن به وحشت می افتند، قرآن می فرماید: پرونده در برابر مجرمان قرار می گیرد، مجرمان از دیدن آنها خائف می گردند.^۶

۹) بهشت و جهنم در قرآن

در قرآن مجید از بهشت با واژه «جنت» یاد شده است. این موضع، در سه سوره الرحمن، واقعه و دهر به صورت مفصل و در برخی از سوره های دیگر قرآن، به صورت گذرا و مجمل بیان شده است. بهشت به گفته قرآن،

^۱ (سوره یس، آیه ۶۵)

^۲ (سوره فصلت، آیه ۲۱)

^۳ (سوره ق، آیه ۲۱).

^۴ (سوره ق، آیه ۱۸)

^۵ (سوره یونس، آیه ۲۱)

^۶ (سوره کهف، آیه ۴۹)

اقامتگاه ابدی مؤمنان و محل رستگاران در جهان آخرت است. آیات متعددی در قرآن به صراحت از بهشت و نعمتهای مادی و معنوی آن یاد کرده و همچنین آن را بهعنوان وعده حیات ابدی برای نیکوکاران در نظر گرفته است. از احادیث اسلامی چنین برداشت میشود که بهشت هشت در دارد. چنانچه در حدیث صحیحی آمده است که پیامبر (ص) فرمودند: «همانا بهشت، هشت درب دارد که یکی از آنها به نام ریان است که تنها روزه داران وارد آن میشوند»^۱

ریشه واژه جهنم، «گهنام» به معنای چاه بسیار گود و ژرف است و در استعمال قرآن، محل عذاب و وعده گاه کفار و ستمگران است. این کلمه ۷۷ بار در آیات مختلف تکرار شده است^۲ عذاب های جسمانی دوزخیان شامل مواردی چون عذاب دردناک، غذاها و نوشیدنیهای مرگبار، بادهای مهلک، زندانهای تاریک، عذابهایی روحانی، غم و اندوه جانکاه و حسرتی بیپایان و تحقیر و سرزنش فراوان میباشد. از آیات متعددی از قرآن مجید چنین استنباط میشود که جهنم دارای درهای متعدد است و در یک آیه تصریح به هفت در شده است: وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ رِیَانٌ به معنای سیراب یا مرد سیراب است و مقابل کلمه عطشان بهکار میرود^۳ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ^۴ در حدیثی از امام علی (ع) نقل شده که بعد از تفسیر درهای هفتگانه دوزخ، به طبقاتی که بعضی بالای بعض دیگر قرار دارند، اشاره رفته است. در این روایت، نامهای این طبقات چنین برشمرده شده است: از همه پایینتر «جهنم» و بالای آن «لظى» و «حطمه» و فوق آن «سقر» و بالای آن «جحیم» و فوق آن «سعیر» و برتر از آن «هاویه» است^۵ (برای معانی هر یک از واژگان فوق، رک: صفیپوری ۱۳۷۷،

^۱ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۰۷)

^۲ (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۸۴)

^۳ (صفیپوری، ۱۳۷۷، ذیل واژه)

^۴ (حجر: ۴۳/۱۵-۴۴)

^۵ (قرشی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۰)

نتیجه

معاد یا روز جزاء (یوم الدین) از ارکان اولیه و از مهمترین اصول تعلیم اسلامی است. قرآن کریم بسیار این موضوع را مورد توجه قرار داده و در حدود ۱۵۰۰ آیه را بدان اختصاص داده است. در تعبیری چون یوم الدین، یوم القيامة و... از حشر همه نژادهای آدمی بحث شده است و هر فردی به اقتضای اعمالی که در دنیا انجام داده است، به پاداش و یا عقاب آن اعمال خواهد رسید. در اینجا به مهمترین مواضعی که قرآن به جهان پس از مرگ و امور مربوط به آن اشاره داشته است، اشاره میشود .

خلاصه اینکه اولاً: چون زندگی حقیقی و غایی مادرین دنیا نیست، پس زندگی دنیوی باید محدود باشد. ثانیاً: وقتی اصل محدودیت را بپذیریم، دیگر هر مقدار که بود باید پذیرفت و گرنه هر چه بیفزایند، باز جای سؤال دارد. اما در منطق دین، چون توجه اصلی و دغدغه مهم کیفیت است نه کمیت، لذا یک متدین واقعی به جای این که خدا را مؤاخذه کند چرا عمر بیش تری به ما نمی دهی ؟ خود را همواره مؤاخذه می کند که: چرا به اندازه کافی تلاش نمی کنم تا به حیات طیبه برسم ؟ به همین دلیل در ادعیه معصومان (ع)، تأکید اصلی بر این است که عمرم را در راه طاعتت قرار بده، نه این که بر عمرم بیفزای. امام سجاد (ع): بر عمرم بیفزای تا زمانی که عمرم صرف اطاعت از تو باشد، اما اگر عمرم چراگاه شیطان شد، روحم را به سوی خودت بخوان.^۱

منابع و مواخذ

^۱ (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۶۱)

خوش صحبت، مرتضی، معاد جسمانی از منظر علامه طباطبایی با تأکید بر تفسیر المیزان

ربانی گلپایگانی، علی، عقاید استدلالی

سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی

فیض کاشانی، علم الیقین فی اصول الدین، تحقیق محسن بیدار فر

مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد

وحیدی مهرجردی، شهاب الدین؛ معاد قرآنی از دیدگاه علامه مجلسی

غررالحکم و دررالحکم، ابوالفتح آمدی

اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی

مشکوه الانوار فی غرر الاخبار، علی بن حسن بن فضل طبرس ی

سفینه البحار، شیخ عباس قمی

تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی

تفسیر نمونه، مکارم شیرازی

بحار الانوار، محمد باقر مجلسی

ثواب الاعمال وعقاب الاعمال، شیخ صدوق

علم الیقین، ملا محمد محسن فیض کاشانی

میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری

لثالی الاخبار، شیخ محمد نبی تویسرکانی

معاد از نظر روح و جسم، محمد تقی فلسفی